

**Original Article**

**The Status of Socio-Economic Rights in Islamic Human Rights from the Viewpoint of Islamic Jurisprudence**

**Mehri Toutouchian<sup>1</sup>**

1. Ph.D. in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: mehri.toutouchian@gmail.com

Received: 12 Feb 2019 Accepted: 12 Jun 2019

**Abstract**

Human rights have different aspects and definitions in various religions, schools and ideologies. Nonetheless, the Universal Declaration of Human Rights, which is followed by the United Nations, is recognized as the true and official document between different countries. In its ideal sense, human rights seek to uphold the rights of citizens regardless of race, color, beliefs and religion. Thus it pursues its own political, social, economic, cultural and civil goals and programs. From this perspective, jurisprudence as the source of legislation in Islamic law has vast human rights capacities, in which socio-economic rights are of prime importance. In this approach, the established rules of jurisprudence do not contradict the general tenets of human rights, and it provides a more ideal way for fulfilling human rights in a variety of form, such as preserving human dignity, creating individual and collective comfort, maintaining the rights of citizens, providing individual and collective freedoms, and preparing social and economic programs. Therefore, it can serve as a basis for Islamic human rights.

**Keywords:** Economic Rights; Social Rights; Jurisprudence; Islamic Human Rights

**Please cite this article as:** Toutouchian M. The Status of Socio-Economic Rights in Islamic Human Rights from the Viewpoint of Islamic Jurisprudence. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 57-71.

## جایگاه حقوق اقتصادی - اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه

مه‌ری توتونچیان<sup>۱</sup>

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Email: mehri.toutouchian@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

### چکیده

حقوق بشر دارای ابعاد مختلفی است که در نزد ادیان، مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت دارای تعاریف و تفاسیر گوناگونی است. با این حال، اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط سازمان ملل دنبال می‌شود، به عنوان سند اصلی و قابل اطمینانی میان کشورهای مختلف شناخته می‌شود. حقوق بشر در مفهوم عام و کلی خود به دنبال احقاق حقوق شهروندان فارغ از جنس، نژاد، رنگ، عقاید سیاسی و مذهبی است. از همین رو در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی اهداف و برنامه‌های خاص خود را دنبال می‌کند. از این منظر، فقه به عنوان منشأ قانونگذاری در شریعت اسلامی دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای در زمینه حقوق بشر است که حقوق اقتصادی - اجتماعی یکی از موضوعات مورد توجه آن است. در این رویکرد، قواعد تعیین شده فقهی نه تنها مابینی با قواعد عام و کلی حقوق بشر ندارد، بلکه در ابعاد مختلفی، همچون حفظ کرامت انسان، آسایش و رفاه فردی و جمعی، حقوق شهروندان، تأمین آزادی‌های فردی و جمعی و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی شیوه مطلوب‌تری را ارائه می‌دهد. از این رو می‌تواند به عنوان مبنایی برای حقوق بشر اسلامی در نظر گرفته شود.

**واژگان کلیدی:** حقوق اقتصادی؛ حقوق اجتماعی؛ فقه؛ حقوق بشر اسلامی

## مقدمه

بشر در حوزه‌ی اقتصادی و اجتماعی، به این پرسش‌ها نیز پاسخ مناسب داده شود.

حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار نقش مهمی در جایگاه داخلی و بین‌المللی کشورها ایفا می‌کند. به همین دلیل و پس از تشکیل سازمان ملل و توجه به مقوله حقوق بشر، دولت‌ها توجه خاصی به این مسأله انداخته‌اند. از طرفی دیگر، تفاسیر متعددی از حقوق بشر وجود دارد و اغلب کشورها بنابر مواضع ایدئولوژیک و فرهنگی - سیاسی خود به این مسأله نگاه می‌کنند. ابعاد حقوق بشر نیز گسترده است و طیف متعددی از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. یکی از وجوه تأثیرگذار بر مقوله حقوق بشر، ابعاد اقتصادی - اجتماعی است که بخش اعظمی از رویکردهای حقوق بشری را نیز شامل می‌شود. علی‌رغم این‌که حقوق بشر مسأله‌ای غربی و برگرفته از آموزه‌های غربی تلقی می‌شود، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که فقه به عنوان منبع صدور احکام شیعیان در عصر جدید، دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای برای احقاق حقوق اقتصادی - اجتماعی و به تبع آن موضوع حقوق بشر است.

## حقوق بشر و اعلامیه جهانی آن

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۹ آذر ۱۳۲۷ ش.)، در پاریس به تصویب رسید. این اعلامیه، حقوقی را که انسان‌ها مستحق آن هستند، به صورت جهانی بیان می‌دارد. اعلامیه مذکور شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌ای را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است. مفاد این اعلامیه مورد پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفته و می‌تواند به عنوان یک سند الزام‌آور تلقی شده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار شود. این اعلامیه دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده است. مقدمه اعلامیه چنین آغاز می‌شود: «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام شده است...» (۱). بدین ترتیب، اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از اسناد درخشان تمدن بشری است و بر کرامت ذاتی و حقوق یکسان و جدایی‌ناپذیر همه اعضای بشری تأکید دارد. علاوه بر این، در پی رسیدن به آزادی عدالت و صلح جهانی است و در شکل‌گیری حقوق شهروندی اهمیت به سزایی دارد و می‌توان آن را به نوعی مادر حقوق شهروندی تعبیر کرد. به عنوان مثال، مواد ۱ و ۲ اعلامیه شامل چهار اصل اساسی، یعنی آزادی، برابری، عدم تبعیض و برادری است. ماده یک اعلامیه چنین می‌گوید:

به نظر می‌رسد، مبانی و اصول فقهی حقوق اقتصادی - اجتماعی از دو زاویه شهروندان و دولت مورد نظر است که از جهت نخست مراعات کرامت انسانی، احترام به حقوق انسان‌ها، اجرای اصل مساوات و از چشم‌انداز حکومت اسلامی، ماهیت خدمتگزاری دولت اسلامی، اصل عدالت و اصل رضایت عموم مردم از جمله مبانی دیگر ضرورت حقوق اقتصادی شهروندی در جامعه می‌باشد که از آیات، روایات، بنای عقلا و عرف به دست آمده است. مؤلفه‌های ذکرشده اغلب در ساختار مشخصی با عنوان فقه مورد توجه قرار گرفتند که بررسی ابعاد اقتصادی - اجتماعی دین اسلام در زمینه حقوق بشر نیازمند توجه به آنان است. در همین راستا، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: ظرفیت‌های فقه شیعی برای دستیابی به حقوق اقتصادی - اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر کدام هستند؟ بدین ترتیب در این تحقیق سعی شده است که «حقوق اقتصادی - اجتماعی بشر در پرتو مبانی فقهی» مورد مطالعه و بررسی و تحلیل قرار گیرد تا ضمن شناسایی حقوق

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و هم دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. در تکمیل این هدف در ماده دوم اعلامیه با صراحت بیشتر، بلکه تبعیضات ناشی از نژاد، رنگ، زبان مذهب، و عقیده سیاسی، وضع اجتماعی و... که سبب جدایی و اختلاف در بین افراد می‌شود را محکوم می‌کند (۱).

بنابراین اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر در این است که برای نخستین بار در تاریخ جهان در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی بشر آن هم از طرف یکی از مهم‌ترین مقامات بین‌المللی منتشر و به عنوان آرمانی مشترک برای همه افراد جامعه شناخته شده است. در هر صورت، این رویکرد فطری و طبیعی نسبت به انسان ریشه تفکر حق‌ها و آزادی‌های بنیادینی شد که پیش‌تر با عنوان طبیعی (Natural Rights) یا حقوق فطری و به تازگی با عنوان حقوق بشر شناخته می‌شود. بر پایه ماده دو اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹ م)، «هدف هر اجتماع سیاسی حفظ حق‌های طبیعی و تغییرناپذیر بشر است.» این حق‌ها ذاتی (Intrinsic)، جهان‌شمول (Universal)، سلب‌نشده (Inalienable) و خارج از شمول مرور زمان‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر را حداقل در مقاصدش باید به عنوان اعلامیه‌ای با اعتبار جهانی بررسی کرد. گفتن این‌که حقوق جهان‌شمول نیست، مانند گفتن این است که این حقوق، حقوق بشر نیست و از حقوق بشر بودن بازخواهد ماند. تمام بدعت اعلامیه جهانی دقیقاً در همین نهفته است، در تصریح این‌که هر فرد انسانی به صرف واقعیت انسان بودن از حقوق لاینفکی بهره‌مند شده است و همه باید این حقوق را گرامی بدارند. به این معنا شاید چیزی نسبتاً برجسته و انقلابی در اعلامیه حقوق بشر داریم (۲).

همچنین جهان‌شمولی به معنای فرافرهنگی، ذاتی به معنای مرتبط با کرامت انسانی و سلب‌نشده به معنای ریشه‌نداشتن در قانونگذاری و اراده حکومت است.

در نهایت این‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر با ایجاد «معیاری مشترک برای سنجش دستاوردهای همه انسان‌ها و ملت‌ها» در تحقق حق‌ها و آزادی‌های اساسی، خدمت اصلی به

حق‌های پیشینی را انجام داد و با ایجاد تحولات بنیادین بین‌المللی و تصریح بر ارزش‌های اخلاقی انسانی، دوره کنونی را به دوران تحول، تنش و چالش برای ایجاد تعادل و توازن میان ادعاهای جهانی مبتنی بر حق‌های پیشینی یا همان حقوق بشر و قوانین، عرف‌ها، رویه‌ها و سنت‌های کشورها به منزله منابع حق پسینی تبدیل کرد. حقوق شهروندی که پیشینه آن بسیار فراتر از ایده نوین حقوق بشر است، با توجه به مفهوم جامعه مدنی و شخصیت‌یافتن جهانی انسان‌ها در چارچوب رهیافت حقوق بشر جهان‌شمول رنگ و بویی تازه یافته و نوعی رویکرد ویژه به حقوق بشر انگاشته می‌شود. این مفهوم ناشی از برداشت تازه‌تر و همگانی‌تر از مفهوم شهروندی است که پس از جنگ دوم جهانی پدیدار شد. امروزه این باور مطرح است که افراد به منزله شهروند، حق‌ها و آزادی‌هایی دارند که دولت‌ها و جامعه بین‌المللی مکلف‌اند از آن‌ها حمایت کنند. برخی از اندیشمندان مانند هانتینگتون بدین نتیجه رسیده‌اند که بنیان‌نهادن اداره جهانی بر پایه حقوق بشر همگانی امکان‌پذیر نبوده و امنیت جهان مستلزم پذیرش چندفرهنگی است (۳).

### مفهوم حقوق اقتصادی - اجتماعی

ابعاد اقتصادی - اجتماعی یکی از وجوه تأثیرگذار بر مقوله حقوق بشر به شمار می‌روند. این مفاهیم در بخشی با عنوان «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی» مطرح شده‌اند که حتی در این زمینه پس از جنگ جهانی دوم، جنبش بین‌المللی حقوق بشر شکل گرفت. ابتدا متفقین و بعدها جامعه بین‌المللی، در واکنش به وقایع قبل از جنگ جهانی دوم و در خلال آن به این باور رسیدند که ایجاد نظم جهانی جدید باید مبتنی بر التزام به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. به این ترتیب در تدوین منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ (۴). حمایت از حقوق بشر به عنوان یکی از اهداف این سازمان اعلام شد و تعهداتی نیز برای دولت‌های عضو وضع گردید. همچنین حقوق بین‌الملل بشر، حقوق اقتصادی - اجتماعی را به عنوان جزء لاینفک در چارچوب هنجاری حقوق بشر شناسایی و تصدیق نموده است (۵).

گسترده‌ای از این سنخ حقوق و آزادی‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. علاوه بر اسناد بین‌المللی فوق، در سطح منطقه‌ای نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اسناد مهمی چون منشور اجتماعی اروپا ۱۹۶۵ (۱۲)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ (۱۳) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۲ (۱۴). نیز در این زمینه دیدگاه‌های گسترده‌ای را مطرح کرده‌اند. بدین ترتیب این که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان دسته مجزایی از حقوق بشر تحت عنوان نسل دوم شناخته شده، غالباً با خاستگاه متمایز تاریخی آن‌ها توجیه می‌شود. این حقوق از رشد آرمان‌های سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و پیدایش جنبش کارگری در اروپا سرچشمه گرفته است (۱۵).

با وجود آنکه در محدوده‌ی سازمان ملل از ماهیت تفکیک ناپذیری و همبستگی و وابستگی متقابل تمامی حقوق و ارزش یکسان و برابر آن‌ها حمایت می‌شود و هر دو دسته از حقوق (نسل اول و دوم) پذیرش جهانی یافته‌اند. به هر حال با توجه به حمایت گسترده از این دسته حقوق و شناسایی آن‌ها در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی ضرورت اتخاذ راه‌کارهایی در جهت تحقق این حقوق از جانب دولت‌ها امری مسلم است. در هر صورت می‌توان گفت تمام معاهدات حقوق بشری به نحوی شامل مقرراتی در ارتباط مستقیم با حقوق اقتصادی - اجتماعی هستند (۵).

#### ۱- بررسی حقوق بشر اسلامی در پرتو فقه

دین اسلام دارای برنامه‌های کاملی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی است که امروزه در نزد مذهب تشیع در قالب قواعد و احکام فقهی بیان می‌شود. این منظر، دین اسلام هم مؤلفه‌های حقوق بشر را در خود دارد و هم به زوایای اقتصادی و اجتماعی آن توجه خاصی نموده است. در همین راستا شایسته است، ابتدا حقوق بشر اسلامی تعریف شود و سپس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار گیرند.

##### ۱-۱- حقوق بشر اسلامی: متفکران اسلامی، دین اسلام

را واجد ویژگی‌هایی تلقی می‌کنند که بیش از سایر ادیان و مکاتب بر حقوق مسلم بشر تأکید می‌کند. از منظر فقه اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی و اکتسابی الهی است.

از این به بعد، در راستای تحقق اهداف سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری در سطوح جهانی و منطقه‌ای مورد شناسایی قرار گرفتند. با توجه به ابعاد متفاوت انسانی تأمین و شناسایی حقوق و آزادی‌های مختلفی که تمامی حوزه‌های انسانی را پوشش دهد امری ضروری بود. از این جهت حقوق و آزادی‌های متعددی در جهت حمایت از ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها مورد شناسایی قرار گرفت و در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (۶)، به تصویب رسید، اما بعدها در خلال تدوین پیش‌نویس میثاقی برای حقوق بشر، مباحثی مطرح شد که به جهت تفاوت در ماهیت و منشأ حق‌ها و پاره‌ای ملاحظات سیاسی، ترجیح داده شده تا دو دسته کلی از حقوق شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل حقوق مدنی و سیاسی، به طور مجزا (هر یک در میثاقی مستقل) مورد شناسایی قرار گیرند. به این ترتیب طیف نسبتاً گسترده‌ای از حقوق تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر) در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و ساز و کارهایی هم جهت نظارت بر آن‌ها مقرر گردیده است. منابع متعددی را معرفی نمود که در آن‌ها حقوق مزبور مورد شناسایی قرار گرفته، از جمله:

- مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.).

- ماده ۵ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵ م.) (۷).

- ماده ۱ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹ م.) (۸).

مواد ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰ و ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) (۹).

- مواد ۲۷، ۲۸، ۳۰ و ۳۱ کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر (۱۹۹۰ م.) (۱۰).

به هر حال اغلب قوانین و لوایح حقوق بشری این حقوق را به رسمیت شناخته‌اند، اما مفصل‌ترین مجموعه از این دسته حقوق را می‌توان در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (۱۱) مشاهده نمود که در آن طیف

بنابراین احترام به کرامت انسانی نخستین اصلی بود که شعله‌های هدایت و ایمان را در دل آحاد مردم برافروخت و سبب گردید تا انسان‌ها، اعم از زن و مرد، فوج فوج به دامن پر مهر اسلام، پناه آوردند. این نگاه، هرگز جنس یا گروهی را استثنا نمی‌کرد، بلکه همه آحاد انسانی، اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم را در نزد پروردگار برابر می‌دانست و هیچ اختلافی جز در پرتو پروای الهی و نزدیکی به آسمان معنا نمی‌شد، هرچند برخی در تفسیر این برابری راه مغالطه پیمودند و این تصور را القا نمودند که انسان‌ها هم‌چنانکه ذات و ماهیت بشری واحدی دارند، حقوق و تکالیفشان نیز هرچند امور مربوط به فیزیکی‌شان باشد، کاملاً مساوی و برابر است. این قول آنچنان روشن است که نیازی به اثبات ندارد، زیرا آنجا که بحث از برابری می‌شود، امور مربوط به ذات و طبیعت واحد بشری مراد است، نه مسائل عارض بر جسم و جنس (۱۶).

بدین ترتیب دین اسلام، سر منشأ حقوق بشر است و از همین رو فقهای اسلامی تلاش می‌کنند با توسل به آموزه‌های قرآنی، سنت رسول گرامی اسلام (ص) و همچنین کردار معصومین (ع) منظومه‌ای برای حقوق بشر اسلامی در عصر جدید فراهم آورند. به عنوان مثال، قرآن کریم در این زمینه چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است!» (۱۷).

بنابراین دین اسلام در وهله اول برابری انسان‌ها را می‌پذیرد و حتی از منظر کرامت اکتسابی شرایط لازم برای رفع نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، حقوق بشر اسلامی بر این مسأله نیز تکیه می‌کند که «حق‌الناس» و ضایع‌نشدن حقوق آنان بر «حق‌الله» مقدم است. در واقع آن بخش از احکام که دربردارنده حق مالی و غیر مالی برای دیگر افراد است، حق‌الناس محسوب می‌شود،

مانند دیون و حق قصاص. اهمیت حق‌الناس در شریعت اسلام تا جایی است که تقدم حق‌الناس بر حق‌الله، مانند یک قاعده فقهی است. مبنای قاعده تقدم حق‌الناس بر حق‌الله این است که در موارد حق‌الناس، پای مصلحت دیگری اعم از فرد، گروه و جامعه در میان است، اما در حق‌الله، خداوند برای مصلحت خود مکلف، حکمی را جعل می‌کند. قاعده تقدم حق‌الناس بر حق‌الله، قاعده‌ای اصطیادی است. به این معنا که به مضمون آن در قرآن و سنت تصریح نشده است و در میان فقها شهرت دارد که حق‌الناس بر حق‌الله مقدم است، حتی برخی آن را اجماعی دانسته‌اند (۱۸). بدین ترتیب «حق‌الناس بزرگ‌تر از حق‌الله» و «حق‌الله آسان‌تر از حق‌الناس است» و «خروج از عهده حقوق‌الناس مهم‌تر از خروج از عهده حق‌الله» است.

همچنین در راستای آموزه‌های حقوق بشری اسلامی، حقوق‌الله بر تخفیف از جانب خدا مبتنی است و به همین جهت «قاعده درء» به معنای عدم اجرای حدود به محض بروز شبهه در «حدود الهی» جاری است، ولی در حقوق‌الناس که مبتنی بر رعایت احتیاط است، جریان ندارد (۱۹). ضمن این‌که در مسأله تقدم و تأخر فرد و جمع در زمینه حقوق، دین اسلامی راهی میانه را در پیش می‌گیرد و به دیگران نیز توصیه می‌کند که راه میانه را انتخاب کنند. صرف نظر از بحث‌های مفصل راجع به اصالت فرد یا جامعه، این حقیقت مورد قبول و تأکید اسلام است که با توجه به دیدگاه الهی و تعالیم اسلامی، اصل و اساس تکامل فرد است. آنکه اصالت دارد، فرد می‌باشد، یعنی هدف خلقت به تکامل رسیدن افراد می‌باشد، اما از آنجا که بستر این تکامل فردی، اجتماع است، در نتیجه جامعه نیز به طور ثانوی از اهمیت برخوردار است. بنابراین در امر ترجیح فرد یا اجتماع، با توجه به دیدگاه خاص مکتب اسلام، افراد مسلمان در امور مادی به نفع اجتماع از نفع خویش می‌گذرند، زیرا این نیز خود یکی از عوامل تکامل فردی در قالب عناوینی، چون ایثار و امثال آن محسوب می‌شود (۲۰).

در نهایت این‌که، حقوق بشر اسلامی برخلاف حقوق بشر غربی، سعی دارد تا عرصه رقابت را در زمینه امور نامیرا (مانند معنویات) گسترش دهد تا از جنبه‌های مادی کمی فاصله

است و همه فرقه‌های اسلامی را شامل می‌شود. ظاهر آیه شریفه آن است که هیچ گاه خداوند در عالم تشریح حکمی را جعل نمی‌کند که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد. بنابراین آیه ناظر به نفی غلبه و سلطه در خارج و عالم تکوین نیست، چنانکه در برخی روایات اشاره‌ای به آن وجود دارد. از این رو آیه حاکم بر ادله اولیه‌ای است که احکام واقعی را بیان می‌کنند. برای مثال براساس ادله اولیه، پدر و جد پدری بر فرزند ولایت دارند، ولی اگر پدر و جد کافر باشند، ولایت آنان به حکم آیه، منتفی است (۲۳).

در هر صورت در این قاعده، خداوند متعال به مؤمنان توصیه می‌کند که شیوه‌های اقتصادی مطلوبی را به کار گیرند که مانع از تسلط کافران و دشمنان بر آنان شود تا زمینه‌های استثمار، زورگویی و استبداد قدرت‌های اقتصادی از بین برود. به این دلیل که خداوند متعال، عزت مؤمنانش را می‌خواهد. به تعبیر قرآن کریم: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است» (۱۷). بر اساس این آیه، شرف و عزت اسلام اقتضا می‌کند حکمی جعل نشود که موجب ذلت مسلمان و عزت کافر گردد (۲۳).

**۲-۲- قاعده عسر و حرج:** در قواعد فقهی اصل «عسر و حرج» نیز تفسیری اقتصادی پیدا می‌کند. ضمن این که داشتن روحیه صبر و حوصله، از خود گذشتگی و کمک به دیگران در این اصل دیده می‌شود که همگی ناظر بر مؤلفه‌های حقوق بشری اسلامی است. بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، هر گونه تنگنایی در مسائل فردی و روابط اجتماعی در همه عرصه‌ها و از جمله عرصه اقتصادی رفع‌شدنی است. برای نمونه، در صورتی که پرداخت بدهی موجب عسر و حرج بر بدهکار گردد، وجوب آن منتفی می‌شود و طلبکار نیز نباید از وی مطالبه نماید یا بر او سخت گیرد. دلیل این مطلب، که خود از مصادیق قاعده نفی عسر و حرج است. به بیان قرآن کریم که می‌فرماید: «وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (۱۷). «و اگر [بدهکار] تنگدست باشد، پس تا گشایش، مهلتی به او دهید».

گرفته شود. بدین ترتیب شهروندان جامعه اسلامی، در امور معنوی که در تزامم با آسایش و رفاه دیگران نیست، سعی بر پیش‌قدمی و سبقت‌جویی دارند (۲۱). آنچه باید به عنوان مبنای نظری قرار گیرد، این است که هدف، سعادت و کمال افراد است و اگر برای جامعه ثقلی در نظر گرفته می‌شود، به این اعتبار است، البته مقصود از کمال، تکامل معنوی و مادی توأمان است که با معیارهای اسلامی تعیین می‌شود، نه کمال مادی صرف که بر اساس حس سودجویی و منفعت‌طلبی استوار باشد. حقوقی که به عنوان حقوق شهروندی و بشر تعیین می‌شود، باید به این قضیه توجه داشته باشد که بستر جامعه را به گونه‌ای فراهم آورد که انسان‌ها، به سادگی و بدون موانع پیچیده، گام در مسیر پیشرفت و سعادت واقعی نهند.

## ۲- بایسته‌های حقوق اقتصادی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه

فقه اسلامی به عنوان سلسله احکام صدور قوانین در اسلام بر اساس قواعد خاصی به ساماندهی ابعاد اقتصادی حقوق بشر توجه می‌کند که برای بررسی ابعاد آن نیازمند بررسی به این قواعد هستیم که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

**۱-۲- قاعده نفی سبیل:** قاعده نفی سبیل به عنوان یک قاعده فقهی نقش مهمی در مؤلفه‌های اقتصادی حقوق بشر اسلامی دارد. بر اساس این قاعده، در تشریح اسلامی حکمی جعل نمی‌شود که بر پایه آن، کافر بتواند بر مسلمان سلطه یابد. هر گونه فعالیت اقتصادی و قراردادی که مستلزم تسلط کفار بر جامعه اسلامی یا فرد کافر بر مسلمان باشد، از نظر شرعی نامطلوب است و نفی می‌شود. تعیین دقیق‌تر مفاد قاعده و محدوده آن، در گرو بررسی مستندات آن است (۲۲).

برای اثبات قاعده فوق به یکی از آیات اشاره می‌شود که بیانگر این موضوع می‌باشد. جایی که قرآن کریم بیان می‌کند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (۱۷). «و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است».

واژه «سبیل» هنگامی که همراه «الی» به کار برود، به معنای راه، و زمانی که با «علی» همراه شود، به معنای سلطه و غلبه است. «مؤمن» نیز در این گونه آیات به معنای مسلمان

از طرفی دیگر، آموزه‌های فقهی به ما یادآور می‌شوند که برای رفع مشکلات هم‌نوعان خویش و برپایی نظام اقتصادی مطلوب به «انفاق» (اعم از واجب و مستحب) روی بیاوریم که خود جنبه‌های سلبی و ایجابی دارد؛ از منظر سلبی باعث جلوگیری از تکاثر ثروت در نزد قشر خاصی می‌گردد و جلوی شکاف طبقاتی را می‌گیرد و از طرف دیگر، زمینه‌ساز شکوفایی اقتصاد و توجه به محرومان مستضعفان می‌گردد. از این منظر، تباهی فرد و اجتماع، به دلیل ترک انفاق توانگران در مکتب اقتصادی اسلام، از موضوعات بنیادین به شمار می‌آید، زیرا که ترک انفاق به تکاثر کشیده می‌شود که خود از وسایل تباهی و نابودی فرد و اجتماع است (۲۴).

**۲-۳- قاعده لاضرر:** قاعده لاضرر از مهم‌ترین قواعد فقهی است که در عرصه اقتصادی کاربردی گسترده دارد. از آنجا که بیان مفاد آن مبتنی بر بررسی دلایل قاعده است، مدرک آن بررسی می‌گردد (۲۲). قاعده مذکور که با «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» شناخته می‌شود، ناظر بر این موضوع است که اسلام با فعالیت‌های اقتصادی که باعث ضرر رساندن به فرد و دیگران همراه باشد، موافق نیست. این اصل به نوبه خود ایده‌آلی برای نظام اقتصادی حقوق بشر اسلامی تلقی می‌شود که هرگز آسیب‌رساندن و آسیب‌رساندن را توجیه نمی‌کند و هرگز دستیابی به ثروت را با این استدلال که دیگران در وضعیت فقر باقی بمانند، قابل قبول نمی‌داند. اصل قاعده لاضرر در قرآن نیامده، ولی موارد و مصادیقی از آن در چند آیه مطرح شده است. به عنوان مثال جایی که قرآن کریم بیان می‌کند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ»؛ و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند، [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر

وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند].» (۱۷). محل استناد به آیه، جمله آخر است که در مفاد آن دو احتمال وجود دارد:

- «لاتضار» فعل معلوم و «باء» زائده باشد. در این صورت ترجمه آن چنین است: «مادر و پدر نباید به فرزندشان ضرر برسانند.» اضرارِ مادر به فرزند خود ممکن است با ترک شیردادن و رسیدگی نکردن به وی بر اثر اختلاف با پدر باشد. اضرار پدر نیز با خودداری از پرداخت نفقه به مادر در دوران شیردهی و در نتیجه، امتناع مادر از شیردادن و متضرر شدن کودک رخ دهد. صدر آیه این احتمال را تأیید می‌کند، چرا که این بخش مشتمل بر دو وظیفه برای مادر و پدر است: وظیفه مادر، دو سال کامل شیردادن و وظیفه پدر، پرداخت نفقه در طول این مدت. سپس در ادامه، دو حکم یادشده چنین تکمیل می‌شود که هرگاه پدر یا مادر از انجام وظیفه خود کوتاهی کرد، دیگری نباید با مقابله به مثل، به کودک ضرر برساند.

- «لاتضار» فعل مجهول و «باء» برای سببیت باشد. در این صورت مقصود آن است که شوهر نباید مانع زن از حضانت فرزندش یا دیدن او و مانند آن شود یا با وجود آمادگی وی برای شیردادن، کودک را به دایه سپرد و به مادر ضرر رساند. زن نیز نباید مانع ملاقات پدر و کودک شود و باعث آسیب روحی پدر شود. این احتمال، موافق برخی روایات است (۲۳). گفتنی است در روایات، مبتنی بر احتمال دوم، مصادیق دیگری یاد شده است (۲۵). به هر حال طبق هر دو احتمال، آیه بر نهي اضرار دلالت دارد. با به کارگیری این قاعده، رفع هر گونه ظلم و ستم نسبت به مردم برای کسب منافع اقتصادی محکوم است. به نظر می‌رسد می‌تواند پایه محکمی برای حقوق بشر اسلامی در بُعد اقتصادی قابل طرح باشد، هم‌چنانکه اصل مذکور همانند بسیاری از قواعد فقهی که مورد بحث قرار می‌گیرد، تنها اختصاص به دین اسلام ندارد، بلکه به عنوان حقوق بشر، شامل همه انسان‌ها می‌شود (۲۶). بنابراین به کارگیری قاعده لاضرر در متون حقوق بشر اسلامی می‌تواند شاکله‌های نظام حقوق بشر اسلامی را شکل دهد.



علاوه بر این در آیه‌ای دیگر نیز به همین موضوع اشاره شده است. جایی که قرآن کریم بیان می‌کند: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ مگر پاداش احسان جز احسان است؟» (۱۷) آیه تأییدی بر حکم عقل و عقلا مبنی بر لزوم شکر منعم و عدم مؤاخذه محسن است و بر این نکته دلالت دارد که در برابر احسان دیگران، پاسخی جز احسان نباید داشت و به طریق اولی نباید فردی را که احسان نموده است ضامن دانست (۲۳). که این مسأله به نوبه خود باعث گسترش فرهنگ نوع دوستی و نیکوکاری در امور از جمله امور اقتصادی می‌شود که یکی از تأکیدات حقوق بشر اسلامی است.

به طور کلی باید گفت قواعد فقهی زیربنا و شالوده اساسی قوانین جامعه اسلامی است و مجموعه‌ای از اصول کلی است که مصادیق متعددی از جمله اقتصاد را شامل می‌شود و حکم فقهی آن‌ها را مشخص می‌سازد که در ایجاد ثبات اقتصادی و تسهیل روابط کاری در جامعه بسیار مؤثر است. فعالیت‌های اقتصادی در فضای روابط حقوقی نهادها شکل می‌گیرد. روابط حقوقی، شکل مالکیت، حدود و ثغور آن و چگونگی حفاظت از آن را روشن، و نظام تولید و توزیع، همپای پیشرفت روابط حقوقی رشد می‌کند. کنار آثار مبانی بینشی و ارزشی اسلام، قواعد فقهی به صورت مرز فقه و اصول، دیدگاه کلی و عملی مکتب اقتصادی را درباره روابط کار روشن می‌سازد که به نوبه خود می‌تواند قواعدی برای حقوق بشر اسلامی ایجاد کند.

#### ۲-۵- مخالفت با اسراف و تجمل‌گرایی: «اسراف» به

معنای افراط و تجاوز از حد اعتدال است. این پدیده که از گناهان بزرگ و معاصی کبیره می‌باشد، از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی، مورد نکوهش شدید قرار گرفته است. در آیه ۳۱ از سوره اعراف نیز، چنین بیان شده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱۷). «ای فرزندان آدم! زیور و زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.» همچنین امیرمؤمنان در این

۴-۲- قاعده احسان: یکی دیگر از قواعد فقهی در عرصه اقتصادی حقوق بشر اسلامی قاعده «احسان» است. مطابق این قاعده که حتی می‌تواند در قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه از جمله در مخاصمات و جنگ‌ها به کار گرفته شود، کمک کردن به دیگران بر سایر موضوعات از جمله ایجاد خسارت برای طرف کمک‌شونده مقدم است. از این منظر، برای ایجاد مسؤولیت مدنی و ضمان قهری اسباب و عواملی وجود دارد که در فقه از آن‌ها به موجبات ضمان قهری یاد می‌شود. همچنین برای جلوگیری از ایجاد مسؤولیت مدنی و سقوط ضمان قهری برای کسی که شرایط ضمان فراهم شده باشد، اسباب و مواردی وجود دارد که از آن‌ها به مسقطات ضمان قهری تعبیر می‌شود. یکی از مسقطات ضمان قهری احسان است (۲۷). بدین معنا مفاد قاعده آن است که هر گاه کسی با هدف احسان به دیگری کاری انجام دهد و بر اثر آن به وی خسارتی وارد شود، ضامن نخواهد بود، حتی اگر هدف مورد نظر تحقق نیابد. برای مثال، اگر برای نجات فردی از آتش یا خاموش کردن آتشی که به ملک وی افتاده است، به ناچار در و پنجره خانه او را بشکنند، ضامن نیست، خواه موفق به خاموش نمودن آتش بشود یا نه (۲۲).

برای اثبات قاعده فقط به آیات قرآن استناد می‌کنیم. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ؛ بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند - هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست» (۱۷). هرچند آیه درباره افرادی است که بر اثر ضعف و بیماری و ناتوانی مالی قادر به شرکت در جهاد نیستند. از این رو از شرکت در جهاد معافند، روشن است که مورد عموم ذیل آیه که به صورت نکره در سیاق نفی آمده است، هر گونه راه مؤاخذه و تسلط را بر کسی که به دیگری احسان نماید، نفی می‌کند (۲۸).

زمینه چنین می‌فرماید: «و إن إعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و إسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الآخرة و یکرمة فیالناس و یهیئه عندالله» «آگاه باشید! صرف کردن مال در غیر مورد استحقاق، تبذیر و اسراف است. این عمل صاحب خود را در دنیا بالا می‌برد، اما در آخرت پست و حقیر می‌سازد و در نظر توده مردم سبب اکرام می‌گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام وی خواهد شد» (۲۹).

بر اساس آموزه‌های دینی، نظام حقوق بشر مد نظر اسلام در عرصه‌های اقتصادی عاری از تجمل‌گرایی و اسراف است و تنها تلاش می‌کند با پیمودن راهی میانه، نیازهای اقتصادی جامعه را برطرف نماید و زمینه را برای سعادت دنیوی و اخروی انسان فراهم سازد. در این رویکرد، کسی که تبذیر و اسراف کند، نعمت از او گرفته می‌شود. در مقابل صفت اسراف و تبذیر، صفت قناعت و صرفه‌جویی قرار دارد. نظام اقتصاد اسلامی باید مبتنی بر صرفه‌جویی، و میرا از اسراف و تجمل‌گرایی باشد (۳۰).

### ۳- بایسته‌های حقوق اجتماعی در حقوق بشر از منظر فقه

فقه اسلامی براساس اصول خاصی به ساماندهی ابعاد اجتماعی حقوق بشر توجه می‌کند که برای بررسی ابعاد آن نیازمند بررسی به این اصول هستیم که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

#### ۳-۱- رعایت اصل برابری - تفاوت در نزد آموزه‌های

دینی: حقوق بشر اسلامی نه تنها در زمینه‌های اقتصادی، بلکه در ابعاد اجتماعی نیز رویکردهای قابل توجهی را مطرح می‌سازد که به نوبه خود شاکله اجتماعی حقوق بشر اسلامی در فقه را نشان می‌دهد. در این زمینه می‌توان به یکی از اصول پذیرفته شده اسلامی اشاره کرد که در قالب اصل «برابری» قابل طرح است. این مسأله مخصوصاً از آن روی مهم است که در رویکردهای حقوق بشری توجه زیادی بر روی مسأله برابری می‌شود. در این زمینه باید گفت دین اسلام و قواعد فقهی ضمن پذیرش برابری انسان‌ها، مسأله «تفاوت» جنسی را نیز

مورد توجه قرار می‌دهند. به این دلیل که تفاوت جنسیتی در پذیرش برخی مسؤولیت‌ها و تکالیف نقش مهمی دارد. زنان و مردان در بسیاری مشاغل و جایگاه‌ها نمی‌توانند به جای یکدیگر به ایفای وظایف بپردازند. در غیر این صورت، صفات و استعدادها هر کدام نادیده انگاشته شده است. به عنوان مثال، در کلام امیرالمؤمنین (ع) چنین آمده است: «فإنَّ الْمَرْأَةَ رِجْحَانَةٌ وَ لَیْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ زن، گلی خوشبوست و نه قهرمانی زورمند» (۲۹). بر این اساس، اصل برابری در کنار اصل تفاوت یکی از موارد قابل توجه در زمینه اجتماعی حقوق بشر اسلامی است که به نوبه خود مدلی برای رفع نابرابری‌های زنان و مردان در عرصه سیاست و اجتماع است. همانطور که بر اساس آموزه‌های دینی اسلام، «زن و مرد از یک جنس آفریده شده‌اند»، اما وجود برخی تفاوت‌ها ضرورتی برای تفکیک نقش‌ها، مسؤولیت‌ها، وظایف و تکالیف ایجاد می‌کند. از این جهت، برخلاف برخی رویکردهای حقوق بشری، یکسان‌نگاری، غیر منطقی می‌نماید. چرایی و چگونگی نسبت در حقوق شهروندی در آن است که شهروندی و حقوق و تعهدات ملازم با سرمایه اجتماعی و کنش و واکنش‌های مدنی و جمعی در تعامل اجتماعی است و این در هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. این نسبت در بسط زمانی و مکانی موجود است. اصل بیستم قانون اساسی که برگرفته از آموزه‌های فقهی است، به خوبی این مسأله را بازگو می‌کند: «حقوق برابر انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی را برای زن و مرد در نظر گرفته است.»

در توجیه قسمت اخیر باید گفت که هیچ یک از موارد حقوق بشر، مطلق نیست، به عبارتی آن‌ها با قید و محدودیت‌های قانونی مقید می‌شوند. توسعه‌ها و تزییقات حقوق بشر، در چارچوب حقوق شهروندی باید موجه نشان داده شود. پیش‌فرض اصلی، مشروعیت حاکمیت است تا در توسعه و تزییقات حقوق بشری که به شناسایی حقوق شهروندی منجر می‌شود، بدون منطق عقل جمعی یا دلخواهی عمل نکند.

## ۲-۳- رعایت حقوق اقلیت‌ها و غیر مسلمانان: یکی از

موارد مستخرج از اصل برابری در مسأله حقوق بشر، توجه به حقوق اقلیت‌ها در چارچوب فرهنگ‌های متفاوت است. این اصل در نزد مؤلفه‌های اجتماعی حقوق بشر اسلامی هویداست، به طوری که با بررسی شواهد تاریخی در زمینه‌های گوناگون می‌توان به این اصل اساسی پی برد. برای مثال در حقوق شهروندان جامعه اسلامی، تنها موردی که تبعه غیر مسلمان تکلیف جدی شهروندی در قبال حقوق دریافتی از دولت اسلامی دارد، در مسأله پرداخت مالیات است که در اسلام با عنوان جزیه از اهل کتاب گرفته می‌شود. جزیه، نماد قبول تعهد غیر مسلمان به همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مسلمانان است و نوعی هزینه خدمات دولت اسلامی در قبال تأمین آسایش و امنیت شهروند غیر مسلمان است. اگر در آیه شریفه قرآن مجید واژه «صاغرون» به کار رفته، در حقیقت مراد قبول این نوع قدرت و ولایت اسلامی و خضوع در برابر حاکمیت آن است. این دسته از شهروندان دولت اسلامی در ازای خدمات دولت اسلامی هر نفر سالانه فقط موظف به پرداخت دوازده تا چهل و هشت درهم با مستثنیات زیر بوده است: این مالیات تنها از مرد سالم (غیر بیمار، غیر مجنون، غیر معلول، غیر سالخورده، غیر نابینا...)، بالغ، آزاد، غیر روحانی اهل صومعه، کلیسا، کنیسه...، شاغل، دارای درآمد (از مرد ثروتمند ۴۸ درهم، سرمایه‌دار متوسط ۲۶ درهم و روستایی صاحب سرمایه ۱۲ درهم) گرفته می‌شد. بنابراین اگر فرد غیر مسلمان خدمت عمومی خوبی کرده، در امور کلان عام‌المنفعه یا دولتی همچون سربازان افتخاری، مهندسان خبره، معماران و امثال آنان نیز که به نوعی خدمت عام می‌کرده یا خدمت کلان شایسته‌ای انجام داده بودند، از مالیات شهروندی معاف بودند، همچون حفر کانال آب از قاهره به دریای سرخ در عصر خلیفه دوم که بانیان از پرداخت مالیات (جزیه) معاف می‌شدند. آنان مجاز بودند حتی با تجارت با بهره بالا در جامعه اسلامی آزادانه امرار معاش کنند، به طوری که در بسیاری از موارد موازنه ثروت جامعه عملاً به نفع غیر مسلمانان می‌چرخید و در این شرایط دولت اسلامی گاهی به ناچار بر واردات اهل کتاب عوارض گمرکی خاص مقرر می‌کردند. با این همه، به اعتقاد

حمیدالله که به تفصیل این مسائل را تشریح کرده، شکی باقی نمی‌ماند که همواره در دراز مدت، این غیر مسلمانان بودند که وضع مطلوب‌تری داشتند (۳۱). چراکه مسلمانان شهروندان دولت اسلامی، علاوه بر هزینه‌های جاری شهروندی مکلف بودند، بدون تفاوت مرد و زن یا کوچک و بزرگ تعهدات شرعی چون خمس، زکات، ممنوعیت ربا، ممنوعیت خرید و فروش اموال و اجناس محرمه و تعهدات شهروندی، چون نظام وظیفه را پرداخت کنند، به طوری که مالیات سرانه یک مسلمان در همان دوره، به ۲۰۰ درهم در سال می‌رسید؛ در عین حال، شهروندان غیر مسلمان تمامی حقوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی به مفهوم امروزی را داشتند. نمونه این تأمین هزینه از کارافتادگان از شهروندان غیر مسلمان دولت اسلامی را می‌توان در واقعه توصیه امام علی (ع) در تأمین هزینه مرد سالخورده اهل کتاب از بیت‌المال مسلمانان مشاهده کرد. همچنین شهروندان غیر مسلمان حق داشتن قبرستان خاص، مکان‌های عبادت، مناصب سیاسی را در چارچوب قوانین شهروندی داشتند. نمونه‌های زیادی از آن را می‌توان در سیر الکبیر شینانی تفسیر سرخسی بر آن ملاحظه کرد (۳۱). بنابراین هرچند در اسلام اعتقاد بر این است که در مسیر واقعی برای سعادت بشر نباید پنداشت که عقیده یک انسان ولو آن عقیده بر مبنای تفکر نیز نباشد آزاد است، با این وجود هر شهروندی، هرچند غیر مسلمان، غیر اهل کتاب در سایه دولت اسلامی دارای تمامی حقوق انسانی خواهد بود و دولت اسلامی مادامی که قواعد بازی حقوق شهروندی را به نیکی همچون مسلمانان رعایت می‌کند، به او متعهد است، اما طبیعی است که این قسم از شهروندان به دلیل فقدان اماره لازم برای ثبوت وفاداری به حاکمیت یا حداقل فراهم‌نبودن اسباب جلب اعتماد کامل، نباید منتظر مشاغل کلان و تصدی امور کلیدی در دولت اسلامی یا هر دولت دیگر مغایر با آرمان‌های خویش باشند (۳۲). در هر حال، نکته مهم در حقوق شهروندی مسأله وفاداری به نفع مصالح عامه است. در این میان همان‌گونه که گفته شد، تفاوتی بین غیر مسلمان از اهل کتاب و غیر اهل کتاب وجود ندارد و این موضوع می‌تواند

سند روشنی برای توجه به حقوق اجتماعی در مسأله حقوق بشر اسلامی تلقی شود.

### ۳-۳- مبارزه با استثمار و بهره‌کشی: یکی از نشانه‌های

درخشان و تأثیرگذار دین اسلام در عرصه اجتماعی حقوق بشر، مقابله با ظلم، استکبار، استثمار و بهره‌کشی از انسان‌هاست، به طوری که می‌توان گفت‌مان اسلام عدالتخواه را نشأت گرفته از همین اصول دانست. مقصود از استثمار، بهره‌کشی ظالمانه و بهره‌برداری از کار دیگران است. نقطه مقابل استثمار، «قسط» است. بنابراین مقتضای قسط، احقاق حق هر فرد نسبت به کار و تلاشی که داشته است می‌باشد. قرآن مجید در آیات متعددی، بر اجرای قسط که موجب ریشه‌کن شدن استثمار می‌گردد، تأکید می‌کند. به عنوان مثال، در آیه ۱۳۵ از سوره نساء چنین بیان شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَكِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَوُّوا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام به قسط و عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید، اگرچه به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما باشد، اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین از هوی و هوس پیروی نکنید، زیرا در غیر این صورت، از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن اجتناب نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (۱۷).

بدین ترتیب، رسالت اسلام و همه ادیان الهی در برپاداشتن قسط و عدل، و مبارزه با استثمار و بهره‌کشی از دیگران، از آیات نورانی یادشده در قرآن، به خوبی روشن می‌گردد (۳۲). از نظر اسلام، یکی از مهم‌ترین دلایل چنین مشکلات، نابرابری‌های طبقاتی و اختلاف در ثروت میان افراد جامعه است. اسلام این اختلاف طبقاتی را زشت می‌داند، چون در پشت سر، کینه‌ها و حسدهایی دارد که ارکان اجتماع را متزلزل می‌سازد، چون در آن، خودخواهی و سنگدلی و حرصی

است که جان و دل را فاسد می‌سازد و بینوایان را مجبور می‌سازد که به طرف دزدی و غصب و یا به سوی ذلت و از دست‌دادن و فروش شرافت و عزت بروند و همه این‌ها پستی‌هایی است که اسلام، اجتماع را از آن‌ها دور می‌سازد (۳۳).

### توجه به مناسبات اجتماعی برابر و عادلانه

شرایط اجتماعی برابر علاوه بر این‌که به عنوان اصول حقوق بشر شمرده می‌شود، می‌بایست زمینه‌ای برای تعالی انسان‌ها نیز فراهم آورد. در این زمینه هم باور به برابری ذاتی انسان‌ها مسأله‌ای حائز اهمیت است و هم فراهم کردن شرایطی برابر برای سامان‌دادن به تحرک اجتماعی مطلوب میان آحاد جامعه. آموزه‌های دینی و فقهی در اسلام حاکی از توجه به دو جنبه کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی است و از این جهت ابعاد اجتماعی حقوق بشر اسلامی توجه خاصی به مناسبات اجتماعی انسان‌ها می‌دهد.

از منظر آموزه‌های حقوق بشر اسلامی همه انسان‌ها از کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی برخوردارند و خداوند باری تعالی برای گذران حیات انسان‌ها در فضای حق - تکلیفی متقابل متسالم این نوع کرامت را در نهاد همه انسان‌ها قرار داده است. این کرامت «نتیجه بشریت است و هر انسان از آن رو که انسان است، صاحب کرامت است» (۳۴). در یک کلام، می‌توان این نوع کرامت را کرامت این جهانی نامید (۳۵). مع‌ذلک انسان‌ها مادامی که با اختیار خود جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشتن و بر دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند (۳۶).

علاوه بر کرامت انتسابی، کرامت اکتسابی در نزد آموزه‌های حقوق بشر اسلامی بسیار مورد توجه است. در این معنا، کرامت اکتسابی از به کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات به دست می‌آید و ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است، یعنی کرامت، دارای ارزشی بالقوه است که اگر با تلاش در مسیر حیات معقول به فعلیت برسد، دارای ارزشی مستند به اراده آزاد می‌شود (۳۶). برخی این نوع کرامت را

مورد توجه قرار داد. همچنین دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد اجتماعی حقوق بشر اسلامی می‌تواند پاسخگوی مشکلات تازه‌ای باشد که در عرصه‌های حقوق بشر جهانی مطرح می‌شود. از این منظر، دین اسلام با رعایت اصل برابری - تفاوت، رعایت حقوق اقلیت‌ها، مبارزه با ظلم و استثمار و توجه به مناسبات اجتماعی برابر، ظرفیت‌های قابل توجهی برای پاسخگویی به مشکلات نوین بشری دارد.

حقوق بشر اسلامی با تبیین و تفسیر مؤلفه‌های مذکور و با به چالش کشیدن الگوهای سکولار و غیر سازنده نقش مهمی در برآورده شدن صدای سرکوب‌شدگانی دارد که اغلب در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی گرفتار آمده‌اند و با توجه به این‌که حلقه اتصال خود را با معنویت و آموزه‌های الهی قطع نموده‌اند، دچار بحران‌های عمیق معنوی و روحی شده‌اند. علاوه بر این، تکثر گروه‌های جنسی، قومی، گروهی، نهادهای فراملی و فروملی نه تنها پاسخی به مشکلات فوق ن داده است، بلکه خود نیز نوعی عارضه انسانی محسوب می‌شود. عارضه‌ای که با توجیه مداخلات قدرت‌های بزرگ، نقش مهمی در گسترش خشونت و استثمار ملت‌ها ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد نتایج تحقیق حاضر تا حدود زیادی می‌تواند به این مشکلات و چالش‌ها پاسخ مناسبی ارائه دهد.

انتخابی معرفی کرده‌اند، مشروط به کسب ایمان، علم، تقوا، جهاد و عمل صالح (۳۷). که مقصود از آن دستیابی به کمالاتی است که جایگاه انسان را ترفیع می‌دهد. کرامت اکتسابی ایجاب می‌کند که ارزش انسانیت انسان مدرج و کرامتش، مفهومی مشکک و دارای طیف باشد، ولی در هر حال، دارای کرامت ذاتی است.

فرد دارای کرامت اکتسابی در حوزه عمومی و اجتماعی، منفعل و منزوی نیست، بلکه در صحنه روابط اجتماعی وارد می‌شود و با خیررسانی به مردم، حقوق شهروندی تصاحب می‌کند، چه این‌که با کرامت‌ترین افراد نزد خداوند در قرآن باتقواترین آن‌هاست، این علاوه بر ساحت معنوی به ساحت اجتماعی نیز اشاره دارد، ولی باید منطق عقلی داشته باشد و عقل جمعی آن را بپذیرد. در بیان فقهی، حقوق شهروندی مبتنی بر کرامت اکتسابی باید مستند به بنای عقلا و سیره متشرعه باشد. به طور مثال، دولت اسلامی از فرد خیر حمایت به عمل می‌آورد و فرد متقی که به انجام خدمات عام‌المنفعه اقدام می‌کند، ممکن است از سوی حاکمیت این امتیاز را دریافت دارد که از پرداخت مالیات معاف شود (۳۸).

### نتیجه‌گیری

ابعاد اقتصادی - اجتماعی مهم‌ترین بخش‌های حقوق بشر در جوامع معاصر به شمار می‌روند، به طوری که می‌توان گفت با توجه به اهمیت روزافزون و تغییرات گسترده در سطوح مختلف زندگی اجتماعی، نقش مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی در شکل‌دهی به حقوق بشر بسیار گسترده شده است. در همین راستا پژوهش حاضر جنبه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی حقوق بشر اسلامی را مورد واکاوی قرار داد که به نظر می‌رسد ظرفیت‌های قابل توجهی برای معرفی الگوی حقوق بشر اسلامی را در خود نهفته دارد. این واکاوی از منظری فقهی و با بررسی آیات و روایات دینی نشان می‌دهد که در ابعاد اقتصادی می‌توان با تکیه بر اصولی، همچون قاعده نفی سبیل، عسر و حرج، قاعده لاضرر، احسان و مخالفت با تجمل‌گرایی به تبیین آموزه‌های حقوق بشر اسلامی پرداخت و زمینه‌های لازم برای توجه به ابعاد اقتصادی حقوق بشر را

## References

1. Naserzadeh H. Declaration human rights. Tehran: Publications Majed; 1995. [Persian]
2. Panikar. R. Is the nation of Human Rights a Western concept? In Book Paterna Language. Tehran: Publications Tarjoman; 2015. p.31.
3. Huntington S. The Clash of civilization and the remaking of world order. Translated by Ahmad Sartip M. Tehran: Publication Ketabsara; 1998.
4. United Nations Charter, 59 Stat. 1031, T .S. 993, 3 Berans 1153, entered into Force 24 Oct. Art.1, 55, 56, 13, 1945. 62(2), 68.
5. Hakki F. Economic - Sociol Rights. Tehran: Publications City of Knowledge; 2009. [Persian]
6. Universal Declaration of Human Rights, GA. Res. 217 A (III) Adopted. By the UN Doc. A/810, 10 Doc. 1948.
7. Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, UN, GA. Res. 2106 A (XX), 21 Dec. 1965, UN Doc. A/6014 (1965).
8. Convention on the Elimination of All forms of Discrimination Against women, UN, GA, Res. 34/180 (18 Dec 1979), UN Doc. A/Res/34/36.
9. Convention on the Rights of the child, GA, Res. 44/25, UN Doc. A/44/49. 1989.
10. International Convention on the protection of the rights of all migrant workers and their families, GA, Res. 45/158 , Annex, 45 UN GAOR Supp. 1995.
11. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), GA, Res. 2200 A (XXI), UN Doc. A/16316. 1966.
12. European social charter, ETS No.35, entered into Force 26 Feb. 1965.
13. American Convention on Human rights, OAS, T.S. No.36, OEA/Ser.L./V/II. 23 Doc. Rev.2. 1144 UNTS 123, Art.15, 16, 17, 18, 26. 1969.
14. African [Banjul] charter on Human and peoples, Rights, OAU Doc. CAB/ LEG/67/3 Rev.5, 21 ILM 58. Art.14, 15, 16, 17, 21, 22. 1982.
15. Craven M. The International Covenant on Economic, social and cultural rights a perspective on its Development. London: Publications Clarendon Press Oxford; 1995. p.8.
16. Salamti Y, Ekhvanfar B, Taleghani M. Submission on the Right to Education in Islamic Law and Human Rights. *Journal Feghh and Fundamental Islamic Law* 2015; 8(4): 89-104. [Persian]
17. Holy Quran. Hojarat: 13; Nesaa: 141; Monafeghoon: 8; Baghara: 280; Baghara: 233; Tobeh: 91; Raman: 60; Aaraf: 31; Nesaa: 135.
18. Shekh Ansari M. Al-Makaseb al-Mahrameh. Tehran: Publications Congress; 1993. [Arabia]
19. Mojahed M. Al-Manahel. Tehran: Publications Library Parlemant Islamic Council; 1988. [Arabia]
20. Khomeini R. Velayat Faghih. Qom: Publications Institute Organization and Spread Emam-Khomeini; 1999. [Persian]
21. Javadi Amoli A. The ratio of Religio and World. Qom: Publications Esraa; 2002. [Persian]
22. Irvani J. Introduction to Islamic Economics. Mashhad: Pucations University Islamic Science Razavi; 2012. [Persian]
23. Mousavi Bojnoordi H. Basical of al-Feghheih. Qom: Publications of al-Hadi; 1998. [Persian]
24. Elmi Sola MS, Ghaemi Asl M, Yaghubi J, Mesgarani J. Enfagh and its place in the Development Promotion of Science and Knowledge, with emphasis on Waghf. *Journal Strategy Development* 2016; 1(48): 156-184. [Persian]
25. Makarem Shirazi N. A Glance at the Issue of Equality in Islam. *Journal Law and Scien Political* 1991; 1(27): 44-69. [Persian]
26. Kolini Y. Al-Kafi. Tehran: Publication Assembly Book al-Islamieh; 1988. [Arabia]
27. Khoie A. Alhaj. Qom: Publications Alelmeieh; 1988. [Arabia]
28. Ghaffari H, Younosi A. Feghhi Basical Islamic Economic. Tehran: Publications University of Payame Noor; 2011. [Persian]
29. Imam Ali. Nahjol-Albalage. Translated By Dashti. M. Qom: Publications Mashhoor; 1999.
30. Hoseini Nasab R. The Basics of Islamic Economics. Qom: No Name; 2013. [Persian]
31. Hamidullah M. Islamic Movement of the Islamic State. Translate by Research by Mohaghegh Damad SM. Qom: Center for the Publication of Islamic Sciences; 2001. p.131-138.
32. Javadi Amoli A. Rational and Religion. *Journal Islam Guard* 2004; 1(250): 5-10. [Persian]
33. Seyyed Ghotb. Social Justic in Islam. Translated by Gerami MA, KHosroshahi H. Tehran: Publications Kolbe Shorough; 2000. [Persian]

34. Amid Zanjani AA, Tavakoli MM. Islamic Human Rights and the inherent dignity of man in Islam. *Journal of Law* 2007; 37(4): 161-189. [Persian]
35. Alikhani A. Human dignity and violence in Islam. *Journal Science Political* 2006; 3(1): 99-122. [Persian]
36. Jaafari Tabrizi MT. Research in two Systems of universal human rights from the point of view of Islam and the West and their adaptation to each other. Tehran: Publications Officel International Law Peresident; 1993. [Persian]
37. Mozafari A. The Holy Prophet. *Journal Hasoon* 2002; 1(9): 2-5. [Persian]
38. Seyydi Nia A. Human Dignity and Economic. *Journal Islamic Economic* 2009; 1(29): 111-143. [Persian]